

چگونه خوراکی‌ها در سفره کارگران ایرانی آب رفت؟



بانک مرکزی گزارشی با نام «نتایج بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری ایران - سال ۱۳۹۵» منتشر کرده است؛ این گزارش را می‌توان یکی از منابع رسمی قلمداد کرد که در لابه‌لای صفحات آن، ردی از کم‌مصرف‌تر شدن خانواده‌های ایرانی به چشم می‌خورد.

ایلنا: کاهش میزان مصرف مواد غذایی در طول یک دهه گذشته، می‌تواند معانی بسیاری داشته باشد؛ خیلی‌ها با تفکرات دست‌راستی ممکن است سیاست‌های انقباضی دولت‌ها را در این زمینه بی‌تقصیر بدانند؛ اما واقعیت ملموس زندگی مردم چیز دیگری است.

درباره خانوارهای شهری گزارش‌های رسمی حکایتی متفاوت دارند و نشان می‌دهند که اجرای سیاست‌های اقتصادی که از بالا نوشته و اجرا شده است؛ خورد و خوراکشان را کم کرده است.

می‌توان با استناد به آمارهای غذایی مردم و سیر تغییرات مصرف، ملاکی برای درصد سالم‌زیستی مردم به‌دست آورد و همچنین مبنایی برای تعیین قدرت خرید جامعه استخراج کرد.

رژیم غذایی که به خانوارها داده شد

در همین رابطه بانک مرکزی گزارشی با نام «نتایج بررسی بودجه

خانوار در مناطق شهری ایران - سال ۱۳۹۵» منتشر کرده است؛ این گزارش را می‌توان یکی از منابع رسمی قلمداد کرد که در لابه‌لای صفحات آن، ردی از لاغر شدن خانواده‌های ایرانی به چشم می‌خورد.

همانقدر که در یک رژیم‌های غذایی، بررسی اعداد مربوط به مقدار مواد غذایی و میزان کالری مصرفی نشان دهنده تغییرات اندازه دور شکم فرد است؛ جدول ششم گزارش یاد شده نیز نشان می‌دهد که در فاصله زمانی سالهای ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵ خانوارهای شهری در ایران چه اندازه چاق یا لاغر شده‌اند.

بررسی داده‌های این جدول به طرز محسوسی از کم شدن مقدار مصرف اقلامی خبر می‌دهد که در بازه زمانی مورد نظر، خانوارها، خورده و نوشیده شده‌اند؛ فهرستی از پانزده قلم کالا که هرچند جای خوراکی‌های مهمی مثل «میوه»، «سبزی» و «حبوبات» در آن خالی است مشخص می‌کند در هر سال از هر قلم کالا، «چند کیلو گرم» مصرف شده است.

جزئیات این فهرست البته در برخی موارد با نوسان همراه است؛ مثلاً در یک مقطع زمانی خانوارهای شهری برنج، گوشت پرندگان یا انواع شیر بیشتری را مصرف کرده‌اند اما در نهایت برای همه موارد یک نتیجه وجود دارد؛ خانوارها در مدت ده سال به طرز چشمگیری از مقدار خوراک و آشامیدنی‌های مصرفی خود کاسته‌اند.

در فهرست ضمیمه شده به گزارش بودجه خانوار بانک مرکزی حتی برای محض نمونه یک قلم کالا را نمی‌توان سراغ گرفت که مقدار مصرف آن افزایش چشمگیری داشته باشد؛ به عنوان مثال برنج مصرفی خانوارهای شهری از ۱۷۴ کیلو گرم در سال ۸۶ به ۱۰۶ کیلو گرم کاهش یافته؛ مصرف نان که حکم قوت غالب را دارد از ۴۵۸ کیلو گرم به ۳۱۱ کیلوگرم رسیده، «گوشت پرندگان» که در مقایسه با سایر محصولات گوشتی همواره رکورددار بیشترین میزان مصرف تلقی شده است از ۹۶ کیلوگرم به ۸۶ کیلوگرم رسیده؛ مقدار مصرف «شیر»، «ماست» و «پنیر» در مقام لبنیات به ترتیب از ۲۰۶ کیلوگرم، ۸۶ کیلو گرم و ۲۶ کیلو گرم به ۱۲۰ کیلوگرم، ۸۰ کیلوگرم و ۲۳ کیلوگرم تنزل کرده است؛ حتی «چای» و «قند» که خیلی وقت است پیش‌پا افتاده‌ترین کالای مصرفی قلمداد می‌شوند نیز از این قاعده مستثنا نبوده و مقدار مصرفشان به ترتیب از ۶ کیلوگرم و ۲۹ کیلوگرم به ۳ کیلوگرم و ۱۶ کیلوگرم کاسته شده است.

جدول شماره ۶

بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری ایران

متوسط مقدار مصرف سالانه برخی اقلام خوراکی ها ، آشامیدنی ها و دخانیات یک خانوار طی سال های ۱۳۹۵-۱۳۸۶

(مقدار به کیلوگرم)

سال	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵
قلم خوراکی ها، آشامیدنی ها و دخانیات										
انواع برنج	۱۷۴	۱۴۶	۱۵۴	۱۵۹	۱۴۷	۱۳۱	۱۱۹	۱۲۰	۱۱۶	۱۰۶
انواع نان	۴۵۸	۴۴۵	۴۲۵	۳۹۵	۳۵۶	۳۴۷	۳۵۰	۳۴۳	۳۲۸	۳۱۱
گوشت دام	۵۷	۵۶	۴۸	۴۷	۴۸	۴۱	۴۰	۴۱	۴۰	۴۱
گوشت پرندگان	۹۶	۹۰	۹۵	۹۳	۹۱	۸۸	۸۴	۸۹	۹۰	۸۶
فراورده های گوشت دام و پرندگان	۶	۵	۵	۴	۴	۳	۳	۳	۳	۲
انواع ماهی	۲۰	۱۶	۱۶	۱۷	۱۵	۱۳	۱۳	۱۲	۱۱	۱۱
حیوانات دریایی و فراورده های آن	۴	۳	۳	۳	۳	۲	۲	۲	۲	۱
انواع شیر	۲۰۶	۲۱۵	۲۲۲	۲۲۴	۱۶۶	۱۳۴	۱۳۸	۱۳۴	۱۳۱	۱۲۰
انواع ماست	۸۶	۷۵	۶۸	۶۴	۸۴	۸۶	۸۲	۸۰	۷۹	۸۰
انواع پنیر	۲۶	۲۵	۲۴	۲۲	۲۵	۲۴	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
تخم مرغ	۳۹	۳۸	۳۹	۴۱	۳۵	۳۶	۳۶	۳۶	۳۶	۳۷
روغن های نباتی	۴۷	۴۴	۴۴	۴۵	۴۲	۳۹	۳۷	۳۷	۳۶	۳۴
انواع قند	۲۹	۲۷	۲۷	۲۷	۲۴	۲۲	۲۲	۲۱	۱۸	۱۶
شکر	۱۷	۱۵	۱۶	۱۴	۱۲	۱۱	۱۱	۱۰	۱۰	۹
انواع چای	۶	۵	۵	۵	۵	۴	۴	۴	۴	۳
انواع سیگار ایرانی ^۱	۵۲۱	۵۰۴	۵۴۷	۵۱۸	۴۹۰	۴۷۴	۴۲۳	۳۶۴	۳۴۲	۳۸۳
انواع سیگار خارجی ^۱	۸۰۰	۷۴۹	۷۰۲	۶۲۹	۶۱۱	۵۴۶	۵۲۱	۵۵۵	۵۳۶	۵۳۹

۱- واحد سیگار نخ می باشد.

دلیل کم خوری: کاهش قوه خرید

این افت میزان مصرف را می توان مانند هرپدیده دیگری از دیدگاه های مختلف تبیین و تشریح کرد؛ مثلاً مدعی شد که خانوارهای شهری در برابر کاستن از میزان اقلام خوراکی و آشامیدنی خود بر کیفیت این اقلام افزوده اند و یا اینطور استنباط کرد در نتیجه تحولات اقتصادی یک دهه گذشته خانوارهای شهری الگوهای مصرف خود را تغییر داده و به سمت بهینه تر مصرف کردن گام برداشته اند؛ اما در مقابل دیدگاه هایی از این قبیل، دیدگاه های دیگری هم هستند که کاهش قوه خرید مردم را دلیل این کاهش مصرف میدانند.

فریبرز رئیس دانا، اقتصاددانی که باید او را در میان صاحبان دیدگاه دوم به حساب آورد در توضیح اتفاقی که برای خانوارهای شهری آمده است، به ایلنا می گوید:

«جدول شماره ۶، یک میانگین است اما جزئیات آن نشان می دهد که تغذیه بیشتر مردم به سمت فقیرتر شدن رفته است؛ نمیتوان مدعی شد که الگوی مصرف خانوارها به سمت کیفی تر شدن اقلام خوردنی و آشامیدنی تغییر کرده است؛ برعکس در سبد اقلام مصرفی، کالاهای بی کیفیت تر به سمت دهک های فرو دست تر لیز خورده اند و جایگزین

نمونه‌های مشابهی شده‌اند که کیفیت بالاتری داشته‌اند؛ در مورد کالایی مثل نان نیز شاید بتوان تا حدودی کاهش ۱۴۷ کیلویی مصرف خانوار را متاثر از تغییر الگوی مصرف تلقی کرد اما این همه ماجرا نیست؛ وقتی راجع به قوت قالب مردم حرف می‌زنیم؛ معیارهای صرفه‌جویی را هم باید تغییر دهیم؛ می‌خواهم بگویم که شکم مردم خالتر شده است؛ در تمامی این سال‌ها افزایش درآمد اکثریت خانوارها یعنی همان‌هایی که جایشان در میان دهک‌های متوسط به پایین است، هرگز به اندازه هزینه‌ها نبوده؛ برای همین این گروه اکثریتی تلاش کرده‌اند تا برای ادامه زندگی، همزمان از کمیت و کیفیت اساسی‌ترین نیاز خود بزنند؛ البته در مورد اقلیتی که در میان دهک‌های برخوردار قرار دارند می‌توان مدعی شد که وضع خورد و خوراک آن‌قدرها هم بد نیست و چه بسی بهتر هم شده باشد؛ خوردنی‌های و آشامیدنی‌هایی به مراتب با کیفیت‌تر از قبل در اختیار دارند و هر قدر که بخواهند استفاده می‌کنند؛ نمونه‌اش فروش گوشت گوساله به قیمت کیلویی یک میلیون تومان که خبرش همه‌جا را برداشت؛ تاکید دارم که اگر جزئیات مربوط به تغییر خورد و خوراک مثلا مقدار مرغ، ماهی، یا شیرمصرفی دهک‌های پایینی درآمدی مورد بررسی قرار بگیرند، عمق فاجعه به مراتب بیشتر خواهد بود».

علیرضا حیدری، نیز که اکنون چند سال است در جلسات تعیین مزد شورای عالی کار، اعضای گروه کارگری را همراهی می‌کند؛ برداشت خود از جدول یادشده را اینطور با ایلنا درمیان می‌گذارد:

«داده‌های جدول شماره ۶ در نوع خود تکان‌دهنده است؛ علت افزایش موردی مصرف برخی اقلام غذایی دو دلیل دارد؛ نخست آنکه دولت به اتکای درآمد ارزی که در اختیار داشته‌است به صورت مقطعی مقدار خیلی بیشتری از یک کالای مورد تقاضا را وارد بازار کرده‌است؛ اقدام مداخله جویانه که نمونه مشابه آن باعث بحران صنایع لوازم خانگی شد. اما علت دومی که می‌توان برای افزایش مقطعی مصرف برخی اقلام خوراکی سراغ گرفت را باید در تغییرات قدرت خرید مصرف‌کنندگان جستجو کرد؛ به بیان ساده‌تر خانوارهای شهری همیشه به اندازه درآمدی که دارند از بازار خرید می‌کنند و هربار که برای تامین یک قلم کالا با مشکل نقدینگی روبروشوند به ناچار کالایی مشابه اما ارزان‌تر را جایگزین می‌کنند؛ البته در این سبد به طرز تعجب برانگیزی، جای اقلام ضروری مانند سبزی، میوه و حبوبات خالی است؛ اقلامی که هم از نظر ارزش مواد پروتئینی و ویتامین نقش مهمی در تامین سلامتی مردم دارند و هم به لحاظ قیمتی ارزان‌تر بودند، این

قابلیت را دارند تا به عنوان کالاهای جایگزین بیشتر از فراورده‌های گوشتی مورد استفاده واقع بشوند؛ البته مرور دیگر داده‌های مربوط به حوزه اقتصاد خانوارها نشان می‌دهد بازهم به دلیل افزایش قیمت میوه، سبزی و حبوبات از میزان مصرف این کالاها در خانوارهای شهری کاسته شده است».

قیاسی نابه‌جا یا کنایه از یک حقیقت تلخ

مقایسه تغییرات اندازه و خوراک سالانه یک خانوار با رژیم غذایی لاغری که یک فرد ممکن است به دلایل پزشکی برای کاستن از وزنش اتخاذ کند؛ هر قدر که قیاسی معالفارق باشد می‌تواند از بابت تاثیر اجرای برنامه‌های اقتصادی دولتمردان، یک کنایه تلقی شود؛ طنزی تلخ برای اینکه نشان دهد که چگونه در یک بازه زمانی ده ساله، خانوارهای شهری با کمتر خوردن و کمتر نوشیدن، سوراخ کمربندهای خود را یک درجه جلوتر برده‌اند.

گزارش: پانید فاضلیان